

بررسی تطبیقی قوه عملی

و هوش هیجانی

نجف یزدانی*، استادیار گروه فلسفه دانشگاه آیت الله حائری میبد

روح الله رازینی**، استادیار دانشگاه امام صادق (ع)

چکیده

روانشناسی جدید و علم النفس فلسفی نشان میدهد یکی از ابعاد مهم در جهت تکامل انسان، بعد غیرشناختی است و با شناخت آن میتوان به معرفت کاملتری از انسان دست یافت.

یکی از موضوعات مشترک میان علم النفس فلسفی و روانشناسی جدید، شناخت ابعاد و ساختهای وجود انسان با روشهای مختلف است. یکی از این ساختها، بعد غیرشناختی انسان است که در علم النفس فلسفی حکیمان در بحث قوه عملی به آن اشاراتی شده و امروزه ذیل عنوان هوش هیجانی مورد توجه روانشناسان قرار گرفته است. در فلسفه، برخی رویکرد شناختی و برخی رویکرد غیرشناختی به قوه عملی دارند و برخی اساساً وجود قوه‌یی جداگانه را انکار کرده‌اند. از بین تفسیرهای بیان شده برای قوه عملی در انسان، تفسیر غیرشناختی آن، دیدگاه صحیحی بنظر میرسد. در روانشناسی نیز مدل‌های مبتنی بر توانایی، مدل‌های غیرشناختی و مدل‌های مبتنی بر شایستگی برای هوش هیجانی ذکر شده است که از این میان، مدل دوم وسوم با تفسیر برگزیده در مورد قوه عملی در فلسفه سازگارتر است. از آنجا که ابعاد غیرشناختی انسان در بسیاری از افعال انسانی مؤثر بوده و حتی گاه ابعاد معرفتی نیز متأثر از جنبه‌های غیرعقیدتی انسان است، بررسی و مقایسه نگاه روانشناسان جدید تحت عنوان هوش هیجانی با بحثهای علم النفس قدیم تحت عنوان قوه عملی اهمیت می‌یابد. این نوشتار با مقایسه این بعد در دو قلمروی

کلیدواژگان

نفس
قوه عملی
هوش هیجانی
فلسفه
روانشناسی

مقدمه

بعد غیرشناختی انسان از مسائلی است که هم در روانشناسی و هم در فلسفه مطرح شده است. از نظر فیلسوفان، عقل در یک تقسیمبندی کلی به عقل عملی و عقل نظری تقسیم میشود و گرچه گسترش این تقسیم به دوران اسلامی بازمیگردد، ولی بنیاد آن را میتوان تا یونان باستان دنبال کرد^۱. در خصوص رابطه عقل نظری و عقل عملی، دو دیدگاه کلی وجود دارد؛ برخی معتقدند عقل در هر دو قسم (نظری و عملی)

(نویسنده مسئول) *Email: najaf_yazdani@yahoo.com

**Email: razini58@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۹۴/۱۲/۲۲ تاریخ تأیید: ۹۵/۳/۱۸

۱. کاپلستون، تاریخ فلسفه، ج ۱، ص ۳۷۵.